

تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با بلاروس

علی اکبر جعفری^۱
عبدالرحیم حسن نژاد^{۲*}

چکیده

مهم‌ترین بسترهای همکاری مشترک جمهوری اسلامی ایران و بلاروس که سبب گسترش مناسبات دو کشور شده است این است که هر دو کشور در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی را سرلوحه روابط خود قرار داده‌اند. در واقع، دیپلماسی فرهنگی در گستره روابط بین‌الملل، در جهت توسعه روابط و ارتباطات در بین کشورها جایگاه ویژه‌ای یافته و سبب همسویی میان دولت‌ها و ملت‌ها گردیده است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای به کارگیری قدرت نرم در پشتیبانی سیاست خارجی کشورها که هنر تقویت و حصول منافع ملی کشورها را برعهده دارد، در فراهم آوردن بسترهای همکاری‌های مشترک، فهم و معرفی فرهنگ‌ها و تبادل ارزش‌های فرهنگی و نیز تثبیت روابط حسنه میان دولت‌ها تأثیر بسزایی دارد. با توجه به این واقعیت، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیپلماسی فرهنگی چگونه می‌تواند در ارتقای تعاملات چندوجهی میان ایران و بلاروس تأثیرگذار باشد؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از اسناد و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تبیینی و با استفاده از رهیافت نظری روابط فرهنگی بین‌المللی، بیانگر آن است که در صورت توانمندسازی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بلاروس دو کشور خواهند توانست سطوح همکاری‌ها را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به طور فزاینده توسعه دهند و در مجموع موجب ارتقای منافع و مصالح ملی متقابل شوند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، سیاست خارجی، ایران، بلاروس، قدرت نرم

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه دولتی بلاروس (نویسنده مسئول)

* omrani.2055@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هشتم، صص ۶۷-۹۰

مقدمه

در تحولات نظام بین‌الملل عواملی که برآیند آن‌ها قدرت یک کشور را خلق می‌کنند نسبت به گذشته متحول شده است. در عصر حاضر نقش عوامل غیرمادی قدرت تعیین‌کننده است و مفهوم قدرت بیشتر به سمت نرم‌افزاری پیش می‌رود. بر همین اساس، به نظر می‌رسد، «مؤلفه قدرت فرهنگی» رکن چهارم و پس از ملاحظات «سیاسی»، «اقتصادی»، «امنیتی»، سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری مواقع سه مؤلفه دیگر از آن نشأت می‌گیرند. با توجه به شرایط و جایگاه جمهوری اسلامی ایران و تحولات سیاسی و مذهبی در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور در قالب دیپلماسی فرهنگی باز و شفاف تلاش می‌کند تا امنیت پویایی را در بعد فرهنگی به نمایش بگذارد. به نظر می‌رسد بازیابی جایگاه تمدنی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی می‌تواند در بهبود روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در عرصه بین‌الملل بسیار مهم و کارگشا باشد.

از میان کشورهای اروپای شرقی، جمهوری بلاروس در دیپلماسی سیاست خارجی ایران از جایگاه مهمی برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله اولین کشورهایی بود که پس از اعلام استقلال بلاروس از اتحاد شوروی سابق، استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و در اسفند ۱۳۷۲ (برابر با ۱۸ مارس ۱۹۹۳) با این کشور روابط سیاسی برقرار نمود و سفیر اکرودیته ایران در بلاروس تعیین شد. پس از آن مقامات عالیرتبه دو کشور برای توسعه همکاری‌های دوجانبه در تمامی زمینه‌ها اعلام آمادگی نموده‌اند. در جریان اولین سفر رئیس‌جمهور بلاروس به جمهوری اسلامی ایران در اسفند ماه ۱۳۷۶، سفارت بلاروس در تهران گشایش یافته و متقابلاً سفارت جمهوری اسلامی ایران در مینسک نیز در تاریخ ۱۱ بهمن ماه سال ۱۳۷۹ و در جریان سفر وزیر وقت امور خارجه ایران به بلاروس افتتاح گردید. طی سال‌های بعد تعاملات و نشست‌های مشورتی بین دو کشور در سطوح مقامات عالیرتبه در تهران و مینسک برگزار شده است. همچنین، روابط پارلمانی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس از همان ابتدای برقراری روابط سیاسی دو کشور شکل گرفته است. علاوه بر آن گروه دوستی پارلمانی ایجاد شد و نیز همکاری‌های قضایی میان دو دولت توسعه پیدا

کرده است. هم اکنون تفاهم‌نامه‌ها و موافقتنامه‌های همکاری در ابعاد مختلف میان دو کشور وجود دارد. از نظر هویت تاریخی و فرهنگی دو دولت-ملت در عرصه رویارویی با قدرت‌های مداخله‌گر در راهبرد ملی و بین‌المللی دارای نقاط اشتراک زیادی هستند. وجود عناصر فرهنگی و آموزه‌های فرهنگی ملی، طبیعت زیبای دو کشور، مکان‌های تاریخی و گردشگری فرهنگی، ارتباطات علمی و علایق دو ملت و اراده سیاسی دو کشور می‌تواند سطح همکاری‌ها، توسعه روابط فرهنگی و تقویت رایزنی فرهنگی را گسترش بدهد. به نظر می‌رسد دو دولت تاکنون از همه ظرفیت‌های موجود خود در توسعه منافع ملی متقابل مورد استفاده قرار نداده‌اند. با توجه به این مسئله و خلاء موجود سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی ایران و بلاروس چگونه می‌تواند در ارتقای منافع ملی دو دولت تأثیرگذار باشد؟ پژوهش حاضر تلاش می‌کند به روش تبیینی ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور، شکل‌گیری روابط فرهنگی، عملکردها و اقدامات ایران و بلاروس در حوزه فعالیت‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار دهد و راهکارهای لازم برای ارتقای منافع ملی متقابل دو کشور ارائه نماید.

۱. رهیافت نظری

به نظر می‌رسد درک عمیق از وضعیت سیاست جهان و مناسبات بین‌المللی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آن که علاوه بر توجه به اثرات ساختارهای نهادی و صورتبندی‌های قدرت، موضوعات فرهنگی نیز مورد توجه جدی قرار گیرد. روابط فرهنگی در ارتباط با دو مفهوم دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم مطرح می‌شود. دیپلماسی فرهنگی تبادل افکار، اطلاعات هنر، شیوه زندگی، نظام ارزش‌ها، سنت‌ها، اعتقادات و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان دولت-ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل به حساب می‌آید. بر این اساس، نظریه‌های فرهنگی در مطالعات روابط بین‌الملل از جایگاه مهمی برخوردار هستند. به همین دلیل نقطه شروع آن در این پژوهش به بررسی مفاهیم فرهنگ اختصاص می‌یابد. هدف نظریه فرهنگی تنها این نیست که صرفاً درباره فرهنگ بحث کند یا سیاهه‌ای از مصادیق آن به دست دهد، بلکه به دنبال نظریه‌پردازی درباره آن است.

بنابراین، نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل که توسط «ریچارد لیبو» مطرح شده، ساختاری برای مطالعه سیاست و نظریه روابط بین‌الملل ارائه می‌گردد. (Lebow, 2008) این نظریه با نظریه سازه‌انگاران وی از روابط بین‌الملل بر پایه نظریه‌های انگیزش و هویت‌یابی یونان باستان شکل گرفته است. این نظریه بر نیاز انسان به عزت نفس تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه این عامل بر رفتار سیاسی در تمام مراحل رشد اجتماعی اثرگذار است. لیبو چهار متغیر اساسی که نیازهای بشری را منعکس می‌کنند مورد توجه قرار می‌دهد؛ روح‌بنیان (معنوی)، اشتها بنیان یا ترس بنیان و عقل. این متغیرها به هم پیوسته هستند و هر چهار محرک را می‌توان به درجات متفاوت در یک واحد یا نظام مشاهده کرد. به نظر او، متغیر اشتها بنیان بر ساختار تفکر نظام بین‌الملل سلطه یافته و چشم‌انداز اصلی در روابط بین‌الملل بنیان نهاده است. لیبو بر این اعتقاد است که لیبرالیسم، مارکسیسم و سازه‌انگاری نت ساختار مادی دارند و نمونه‌ای از نظام بین‌الملل را تداعی می‌کنند که اساس آن در متغیرهای اشتها بنیان نهاده شده است. به نظر وی واقع‌گرایی و لیبرالیسم متغیر معنوی را در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه بیشتر به عنوان هدف برای پیشبرد قدرت نگریسته می‌شود. این رویکردها هویت کنشگران را غیرمهم و بی‌ربط می‌دانند (Lebow, 2008, 558); (Rösch & ned lebow, 2017: 138). همچنین، به نظر وی در بحث خرد هرچه جامعه به سمت عقل‌گرایی داشته باشد اثبات‌تر خواهد بود. زمانی که عقل کنترل خود را بر انگیزه‌های اشتها بنیان و روح‌بنیان (معنوی) از دست بدهد احتمال دگرگونی نظام بین‌الملل هراس‌بنیان سوق می‌دهد که حرکت معکوس از نظم و عدالت به سمت بی‌نظمی و بی‌عدالتی را تداعی می‌گردد. با وجود این، در پس هر یک از این متغیرها فهمی نهفته است که به همکاری، منازعه و یا خطرپذیری می‌انجامد؛ و هر یک از آنها پتانسیل ایجاد نظم را دارند. بر این اساس، این متغیرها الگوها و مفاهیمی را به ما عرضه می‌کنند که می‌توانند در جنبه‌های متنوع شخصی، عمومی و فکری زندگی به کار گرفته شوند؛ و از طریق آن آگاهانه به جهان اطراف خود واکنش نشان داده و به سطح متعالی‌تری از اشراف و تسلط دست یابیم (دهقانی فیروزآبادی، طالبی آرانی و نورمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). بنابراین، بر اساس متغیر معنوی رویکرد نظری فوق‌الذکر، دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار قدرت نرم، کشورها

را در فهم متقابل فرهنگی و پشتوانه‌سازی در پیشبرد روابط و مناسبات، تأمین منافع ملی و نظم برای همکاری بیشتر ترغیب می‌کند. تحول در عرصه جهانی شدن، امنیت بین‌الملل، ناآرامی‌ها و درگیری‌های مذهبی سبب شده است تا ارزش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بر اساس گفتگو، تفاهم و تعامل در ساختار روابط بین‌الملل بااهمیت‌تر شود (McClory, 2017: 114). با این تفاسیر، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از اراده ملت ایران و آمیخته به فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی همراه با پیام انقلاب اسلامی در عصر معاصر است، در بین ملت‌ها و کشورهای آزاده جهان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. بنابراین، فعالیت‌های فرهنگی ایران و بلاروس می‌تواند بر اساس نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل مبتنی بر متغیرهای معنوی ریچاردند لیو مورد ارزیابی قرار گیرد. از نظر ریچاردند لیو تأکید بر نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل به معنای نادیده گرفتن سایر انگیزه‌های اقدام و تصمیم‌گیرها نیست. بر این اساس، انگیزه‌های معنوی به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر در روند تصمیم‌گیری کنشگران به حساب می‌آید که تاکنون در روابط میان دولت‌ها تا حدودی زیادی مغفول مانده است. از اینرو، نادیده گرفتن این متغیر مهم پرهزینه خواهد بود. بر اساس آخرین نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌توان گفت گرایش کنشگران دولتی و غیردولتی به متغیرهای معنویت‌پایه، باورها، ایده‌ها و انگاره‌های فرهنگی بسیار بااهمیت تلقی می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی ایران و بلاروس در دو جنبه قابل تبیین است: اول، شناخت هر یک از طرفین نسبت به اصول و مبانی فکری، فرهنگی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های یکدیگر. دوم، معرفی و شناساندن این اصول، مبانی و ارزش‌های فکری و فرهنگی به همدیگر. بنابراین، بر اساس این رهیافت فکری فعالیت در حوزه فرهنگی دو دولت - ملت می‌تواند به مفاهیم بیشتر و متقابل منجر شود و به تدریج سبب پایه‌ریزی روابط عمیق‌تر و پایدارتر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بلاروس شود. تعمیق روابط فرهنگی به لحاظ نظری این قابلیت را خواهد داشت تا در سایر حوزه‌های سیاسی - اقتصادی هم به طور فزاینده تسری یابد.

۱-۱. سازوکار دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله اندیشه‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها، سنت‌ها که وسیله ارتباط بین‌الملل کشورها محسوب می‌شوند. این مؤلفه‌ها کمک می‌کنند تا ملت-کشورها درک و فهم متقابلی از یکدیگر پیدا کنند و شناخت صحیح و درست از فرهنگ و ارزش‌های یکدیگر بهتر یکدیگر را بفهمند و بهتر بتوانند باهم ارتباط برقرار کنند. دیپلماسی فرهنگی حوزه‌ای از دیپلماسی است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط کشورها با یکدیگر از طریق فرهنگ، هنر و آموزش تأکید دارد (سیمبر، ۱۳۹۶: ۴۸). در دیپلماسی فرهنگی مخاطبان آن افراد مشخصی از یک جامعه هستند نه کل یک جامعه. دیپلماسی فرهنگی برای کشورهای بزرگ و قدرتمند این فرصت را به وجود می‌آورد تا از این نوع دیپلماسی به عنوان ابزار اصلی خود و به مثابه قدرت نرم بهره‌گیری کنند و از این طریق بتوانند به ایفاگری مؤثری در خصوص نقش خود در صحنه نظام بین‌الملل بپردازند. در دیپلماسی فرهنگی نفوذ حاصل از برقراری روابط فرهنگی با عموم افراد یا شهروندان یک کشور از راه ارتباطات نوین و رسانه‌های دسته‌جمعی حاصل می‌گردد که طی آن‌ها تلاش می‌شود تا تصویر خوب و مناسب و حتی ایده‌آلی از یک کشور در جهان ترسیم گردد (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). بنابراین، دیپلماسی فرهنگی فرآیند مؤثری است که در آن فرهنگ یک ملت به عرصه جهانی عرضه می‌گردد؛ و به نظر می‌رسد که بهره‌برداری از دیپلماسی فرهنگی می‌تواند ابزار بسیار خوبی برای کسب و ارتقای اعتبار و جایگاه دولت‌ها در نظام بین‌الملل باشد. همچنین، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای سازوکار افزایش تفاهم دولت‌ها با سایرین را فراهم سازد، که مهم‌ترین آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور در پیشرفت علم و ادب در سطح جهان و استفاده از شهرت، محبوبیت و موقعیت آن‌ها برای اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی. چهره‌های جهانی و ماندگاری چون مولانا، حافظ، ابن سینا، شکسپیر، لویی پاستور و غیره می‌توانند در این حوزه برای کشورها و ملل متناسب خود ایفای نقش نمایند.

۲. استفاده از ظرفیت‌های نهفته در زبان و ادبیات دولت-کشورها و ترویج آن از طریق تأسیس رشته زبان و ادبیات کشور متنوع در دانشگاه‌های مهم جهان و نیز اعطای

بورس‌های منظم و مستمر تحصیلی در سطوح عالی به منظور اشاعه فرهنگ و زبان کشور در سطح جهان (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

۳. حضور مؤثر در مجامع و همایش‌های بین‌المللی در کنار شرکت فعال در رخدادها و جشنواره‌های هنری و ورزشی بین‌الملل و نیز برگزاری منظم نمایشگاه‌ها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایشگاه فرهنگی در کشور مقصد.

۴. تأکید ویژه بر ارائه آموزش‌های فرهنگی به دیپلمات‌ها و تربیت دیپلمات‌های فرهیخته و آشنا با نقاط قوت و ظرائف فرهنگی هر دو کشور مبدأ و مقصد.

۵. سرانجام کمک به راه‌اندازی مراکز کشورشناسی و ایجاد این کرسی در دانشگاه‌های معتبر جهان در کنار فرصت‌های مطالعاتی کوتاه‌مدت به کارشناسی دانشگاهی و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب کشور متبوع با هدف جذب نخبگان و اصحاب فکر و اندیشه از کشورهای مقصد (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). بنابراین، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند عرصه ظهور همه ظرفیت‌های بالقوه و قابلیت‌های تاریخی، علمی و هنری یک کشور در حوزه‌های از قبیل ادبیات، شعر، سینما، موسیقی و سایر زیرشاخه‌های فرهنگ و هنر شود.

۷۳

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

تبیین جایگاه
دیپلماسی
فرهنگی جمهوری
اسلامی ایران در
روابط با بلاروس

۲-۱. شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و اجتماع فرهنگی ایران پیش از دوران معاصر، نزدیک به سه هزار سال پیشینه دارد و طی این دوران دراز، پیوستگی‌اش را از دست نداده و نوعی خودآگاهی فرهنگی و تعلق به فرهنگ ایرانی همیشه در ذهن مردم ایران حضور داشته است؛ اما این نوع آگاهی‌های تاریخی؛ نوین، علمی و عینی نیست و با پیشرفت‌های علمی در سده‌های اخیر همگام نبوده است. از این رو در شرایط کنونی به دلایل گوناگون اقتصادی، جهانی و داخلی که جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است، در صورت برنامه‌ریزی فرهنگی در داخل و استفاده از آن به عنوان اهرم تأثیرگذار در شرایط فعلی جهانی در قالب دیپلماسی فرهنگی، می‌تواند به ارتقای سطح روابط متقابل و افزایش آگاهی و درک ایران با سایر کشورهای جهان، مثبت ارزیابی شود. لذا با توجه به این، برخی از تأثیرگذارترین شاخص‌های فرهنگی و ظرفیت تمدنی که می‌تواند در دیپلماسی فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران اثر مثبت گذاشته و در آخر هم قدرت نرم آن را افزایش دهد، به آن‌ها اشاره خواهد شد. (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۱). بر اساس طبقه‌بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از شاخص‌های اصلی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در قالب طبقات ذیل تفکیک شده است:

۱- فرهنگ مکتوب (شامل کتاب، نشریات ادواری و غیر ادواری، کتابخانه‌ها، چاپ و آموزش).

۲- رادیو و تلویزیون، سینما و عکس - نمایش (تئاتر).

۳- موسیقی، ادبیات، معارف، میراث فرهنگی، ورزش، گردشگری، هنرهای تجسمی، محیط زیست و فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور.

۴- بودجه فرهنگ (صالحی‌امیری و محمدی، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

این شناسه‌ها در مسیر عملکردهای فرهنگی دولت بوده و ابعاد فرهنگی و عمومی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را نمایان می‌سازد. همچنین رویکردهای بالا می‌تواند در جهت اهداف پژوهش در زمینه فرهنگ، سنجش و اندازه‌گیری شود که در ادامه بر روی برخی از آن‌ها تأکید می‌گردد.

۲. جایگاه فرهنگ در سیاست خارجی ایران

در عصر حاضر فرهنگ و مناسبات فرهنگی نقش مهم و مهمی در تحقق اهداف منافع ملی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی کشورها ایفا می‌نماید و دولت‌ها از طریق نفوذ، ایجاد و توسعه پایگاه‌های فرهنگی در خارج به عنوان یک هدف استراتژیک در سیاست خارجی، نیل به اهداف یاد شده را تسهیل می‌نمایند (Fokin & Shirin, 2017: 45). به عنوان مثال می‌توان به سیاست ایالات متحده آمریکا در کادرسازی و تاثیرگذاری بر نسل جوان و نخبگان در کشورهای جهان سوم به ویژه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها اشاره نمود که از طریق نهادهایی همچون سپاه صلح، شورای بین‌المللی آموزشی موسوم به «اکسلس»، سازمان نیکوکارانه حمایت از آزادی و سایر موضوعات صورت گرفته است (Lawson, 2018: 1-2). چنانکه این رویکرد در سال ۱۹۶۱ به ابتکار جان اف کندی رئیس جمهوری وقت آمریکا و با تصویب کنگره این کشور با هدف معرفی فرهنگ و آداب و رسوم آمریکایی‌ها به ملل

جهان از یک سو و شناخت دقیق فرهنگ سایر ملل در جهت رسیدن در جهت نیل به اهداف فرهنگی و سیاسی خود از سویی دیگر و نیز ترویج مسیحیت و کسب چهره مثبت در بین‌الملل تأسیس گردید (Luke, 2013: 76). این قانون در آمریکا هم‌چنان در حال اجرا می‌باشد و تاکنون دستاوردهای مثبتی را به همراه داشته است.

بنابراین، جایگاه فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ دولت اسلامی در خدمت هدف‌های سیاسی قرار نمی‌گیرد، بلکه مهم‌ترین هدف آن افزایش آگاهی‌ها و بینش سیاسی کشورها نسبت به هویت اصیل اسلامی و الهی آن‌ها است. در تعریف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اینگونه بیان کرد: «مبادله و تبادل ایده‌ها، انگاره‌ها، ایده‌ال‌ها، اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها، سنت‌ها و سایر ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی میان ایران و دیگر کشورها و ملت‌ها برای ایجاد و تقویت درک و فهم متقابل می‌باشد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). دیپلماسی فرهنگی از روابط و تبلیغات فرهنگی متمایز می‌شود؛ چون برخلاف تبلیغات، هدف دیپلماسی فرهنگی، تعامل و در آمیختن با مخاطبان خاص است و نه القاء پیام‌های غیرواقعی و تحریف شده. در دیپلماسی، تأکید بر روابط متقابل پایدار و طولانی مدت و نه مبارزه سیاسی کوتاه‌مدت و گذرا است. اهداف جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی شامل شناساندن وضع موجود به جهانیان، رساندن پیام اسلام ناب به مسلمانان جهان، بازسازی هویت فرهنگی اسلامی-ایرانی و تصویرسازی صحیح از جمهوری اسلامی ایران در نزد جهانیان است (میرفخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۳۵). در الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی به لحاظ اسلامی و انقلابی بودن آن، تنها از راه دیپلماسی همه‌جانبه و از جمله دیپلماسی فرهنگی می‌تواند جهانی شود؛ زیرا آنچه ماهیت سیاست خارجی ایران را شکل می‌دهد جوهره فرهنگی آن است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۲۵). بنابراین هدف‌ها و سازوکارهای فرهنگی در سیاست خارجی کشور، تقدم و اولویت ویژه‌ای دارند. رسالت و تعهدات ایران به سطح ملی یا منطقه‌ای محدود نمی‌شود؛ بلکه هدف اساسی آن همه ملت‌های اسلامی و فراتر از آن، تمام ملت‌ها، دولت‌ها و بشریت هستند. این ویژگی، الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران را از سایر کشورها متمایز می‌سازد. همچنین هدف از استفاده از ره‌ی‌ات نظری فرهنگی در این پژوهش

نشانگر آن است که روابط ایران و بلاروس فقط معطوف به هدف‌های مادی نیست، بلکه هدف‌های معنوی و معنایی اهمیت محوری دارد.

۳. رویکرد نظری دیپلماسی فرهنگی ایران

در هر رشته علمی از جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل برای درک پدیده‌ها و اندیشه‌ها در روابط درونی آن‌ها و برای هدایت پژوهش به هدف سودمند و در نهایت تجویز سیاستگذاری درست و معقول، وجود رهیافت نظری ضرورت اساسی دارد. بنابراین، همه طرح‌های نظری پیشنهاد شده برای یافتن راه‌حل مفصل اساسی در روابط بین‌الملل به منظور جلوگیری از جنگ و در عین حال قادر ساختن جوامع به حفظ ناب‌ترین و گرامی‌ترین ارزش‌های خود، قابل احترام است. لذا در این پژوهش از واکاوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید بهره‌گرفت (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۴). از این نظر، رویداد بزرگی چون انقلاب اسلامی علاوه بر دگرگون کردن سیاست و اقتصاد، حوزه فرهنگ را نیز با تغییر روبه‌رو کرد. به شکلی که می‌توان از فرهنگ پیش و پس از آن سخن گفت. از این رو می‌توان چنین گفت که سیاست فرهنگی ایران، سیاست انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و مبنا قرار گرفته است. در این راستا از نظر امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، ساختار جامعه را فرهنگ پایه‌ریزی می‌کند و ضمن تأیید ضرورت‌های مادی و اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد هستی انسان، شالوده فرهنگ را تعیین‌کننده و امور دیگر را تابعی از آن می‌شناخت (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). مهم‌ترین کارکردهای فرهنگ جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

۱. ارائه هویت، شخصیت و روح فرهنگی - تمدنی ملت باستانی ایران؛
۲. نمایش و عرضه ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایران؛
۳. ارائه تصویر واقعی و مثبت از مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ملتی متمدن، با فرهنگی سازنده و زاینده (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳).
۴. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با سایر ملت‌های جهان، ارزش‌هایی مانند عدالت، مردم‌سالاری، آزادی، انساندوستی و کرامت بشری؛

۵. توسعه روابط مردم با مردم که پایدار و درازمدت بوده و با تغییر حکومت‌ها از بین نمی‌رود؛

۶. تأثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای دیگر از راه به کارگرفتن دیپلماسی غیررسمی؛

۷. فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی سایر کشورها؛

۸. تهیه دستور کار مثبت برای همکاری با ملت‌هایی که دولت‌های آنان با جمهوری اسلامی ایران اختلاف‌های سیاسی دارند (رضایی، زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

۹. کمک به اعتماد و تسهیل اعتمادسازی با سایر کشورها و ملت‌ها که زمینه‌ساز همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با آنان خواهد بود؛

۱۰. تهیه بستر، ابزار و وسایل منطقی و معقول برای بازسازی مناسبات با کشورهایی که به دلیل اختلاف‌های سیاسی و منافع ملی با جمهوری اسلامی ایران، روابط دیپلماتیک ندارند.

۱۱. ایجاد فضای فرهنگی و اخلاقی مثبت برای مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه؛

۱۲. کمک به همکاری و هماهنگی فرهنگی کشورهای همسو با جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با امپریالیسم فرهنگی و استقرار نظم فرهنگی - اطلاعاتی نوین منطقه‌ای و جهانی؛

۱۳. برقراری و تسهیل روابط و مبادلات بین هنرمندان، دانشمندان و نخبگان فرهنگی - علمی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها و ملت‌های جهان؛

۱۴. ارائه راهکارها و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای انتقال یافتن اشکال و ابعاد جدیدی برای همکاری‌های گسترده‌تر فرهنگی، علمی و آموزشی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورها و ملت‌های دیگر (فخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۳۶). به این ترتیب، این هنر جمهوری اسلامی ایران است که بتواند به میزان کارکردهای ذکر شده، منافع خود را در راستای ارزش‌های جهانشمول قرار دهد و منافع ملی خود را در میان مفاهیم جهانی، بازتعریف کنند. از این رو، برای تبیین بیشتر مناسبات فرهنگی ایران، روابط این کشور با بلاروس را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۴. سیاست فرهنگی بلاروس

در مورد اصول سیاست بلاروس باید گفت که این کشور دارای استقلال رأی در سطح ملی و متحد روسیه در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. این کشور مخالف حضور مداخله‌گرایانه غرب در اروپای شرقی و بلاروس است. اگرچه غرب فشارهایی را علیه مقامات بلاروس سیاسی و پارلمانی به عمل می‌آورد و تحریم‌های هدفمند را اعمال می‌نماید ولی حاکمیت بلاروس براساس خط‌مشی مستقل سیاسی بر آمده از اراده مردم است. ملت بلاروس از سال ۱۹۹۴ تاکنون اداره کشور را بر عهده دارد و با عدم پذیرش خواسته‌های غرب، راه استقلال و سازندگی را پیش گرفته است (دهشیری و حسن‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۷). بر این اساس، نگاه بلاروس به دیپلماسی فرهنگی نیز، استفاده از فرهنگ یک دولت در پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی و یا دیپلماسی آن و ارتباط یک حکومت با مخاطبین خارجی برای تاثیرگذاری مثبت بر آن‌ها است. از این رو، کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به طور عام و در حوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر به طور خاص، در گرو استفاده مناسب از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی می‌باشد.

استراتژی روابط فرهنگی خارجی بلاروس را می‌توان در تعدادی از اسناد و مدارک یافت. برنامه‌های دولتی فرهنگی و توسعه گردشگری برای سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵، قوانین فرهنگ (۱۹۹۱)، میراث (۲۰۰۶)، موزه‌ها (۲۰۰۵)، سینما (۲۰۰۴) و یا کارگران و اتحادیه‌ها در بخش خلاق (۱۹۹۹) ترویج هر دو میراث فرهنگی و توسعه فرهنگی محلی به یک اولویت رسمی تبدیل شده است. از سال ۱۹۹۲، این کشور ۳۳ موافقتنامه بین‌المللی برای فرهنگ با کشورهای عضو اتحادیه اروپا، روسیه، چین، هند، ایران، آفریقای جنوبی و ترکیه امضاء کرده است. توافقنامه‌های یونسکو در مورد حفاظت و ارتقای تنوع اصطلاحات فرهنگی (۲۰۰۵) و میراث فرهنگی نامرئی (۲۰۰۳) را تصویب کرد (Sandell, 2013:9). بنابراین، با توجه به سیاست‌های این کشور، اولویت دادن به همسایگان نزدیک (روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا مانند لیتوانی، لهستان و اوکراین)، و سایر کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق نظیر آذربایجان، و همچنین تا حدی آلمان، ایتالیا و فرانسه، لهستان و لیتوانی قابل ذکر است. از اینرو، اهداف سیاست‌های دولتی بر سه حوزه تمرکز دارد:

۱. دیپلماسی فرهنگی برای ارتقای فرهنگ بلاروس در سطح بین‌المللی؛
۲. تقویت هویت ملی بلاروس در داخل کشور و در محدوده آن (روسیه، اوکراین و لهستان)؛

۳. غنی‌سازی زندگی فرهنگی شهروندان. این اهداف در مقایسه با این واقعیت است که اکثر کارکنان وزارتخانه‌های مربوط به فرهنگ، تجربه بسیار کمی از کار و تحصیل در خارج از کشور دارند. مقامات محلی دارای صلاحیت‌هایی در برخورد با فرهنگ در روابط خارجی هستند، در صورتی که وحدت سیاست‌های کشور را تضمین می‌کنند (Helly, 2014: 8).

یک نمونه از روابط فرهنگی خارجی که در سطح محلی مدیریت می‌شود، سازماندهی در سال ۲۰۱۳ از روزهای فرهنگی منطقه کالینینگراد (یک واحد اداری منطقه‌ای روسیه) در منطقه «برست» است. روابط فرهنگی خارجی معمولاً توسط وزارت فرهنگ و وزارت امور خارجه برگزار می‌شود که در این زمینه، دولت با مؤسسه تحقیقاتی دولتی، مؤسسه فرهنگی بلاروس کار می‌کند. از کارشناسان سه نوع نگرش در بلاروس وجود دارد که عبارت‌اند از نگرش‌های همکاری‌جویانه، نگرش مصالحه‌جویانه و نگرش عدم همکاری با مقامات دولتی. بخش فرهنگی، دغدغه فرهنگی کشور و اروپایی بودن جامعه را مورد بحث قرار می‌دهد. با این حال، «افرادی که بلاروسی صحبت می‌کنند، به طور مخفیانه به عنوان مخالف رفتار می‌کنند». کمپین «بگذار ما بلاروس باشیم»^۱ بر شناسایی هویت ملی و فرهنگی بلاروس تمرکز دارد که با پراکندگی بلاروس‌ها در خارج از کشور و با بلاروس‌ها در کشور کار می‌کند (helly, 2014:9). همچنین، انجمن جهانی بلاروس‌ها فرهنگ را به عنوان راهی برای بهبود زندگی روزمره به ریشه‌های هویت بلاروس می‌پردازد و ترویج می‌کند. بلاروس بخشی از برنامه فرهنگی مشارکت شرقی اتحادیه اروپا است. به همین دلیل اتحادیه اروپا در چند سال اخیر کمک‌های خود را به جامعه مدنی بلاروس افزایش داده است (Yelisseyu, 2013: 17).

با این وجود، این کشور بخشی از چندین چارچوب فرهنگی و آموزشی بین‌المللی مانند برنامه ارزیابی دانشجویان بین‌المللی^۲، فرایند بلغارستان اتحادیه اروپا یا معیارهای

1. Let us be Belarusians / Budzma
2. Batskauschyna
3. PISA

ارزیابی کیفیت آموزش و پرورش اروپا و شورای اروپا نیست. این وضعیت بلاروس باعث می‌شود که اتحادیه اروپا و سازمان‌های اروپایی با همتایان خود در این کشور همکاری کنند. در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، لهستان، لیتوانی و آلمان فعال‌ترین نقش در تقویت روابط فرهنگی با بلاروس از طریق تماس‌های مردم به مردم را دارند و در صورت امکان در پروژه‌های فرامرزی فعالیت می‌کنند (Helly, 2014: 10). نظرسنجی‌های انجام‌شده در اواسط دهه ۲۰۰۰ نشان داد که سه‌گرایش اصلی در ادراک فرهنگی مردم و انتظارات در مورد اروپا و اتحادیه اروپا وجود دارد: (۱) - هویت فرهنگی که موجودیت کشور را تهدید می‌کند و رفتار ملی‌گرایانه سیاستمداران را تشویق می‌کند. (۲) احساس دور شدن از اتحادیه اروپا و ارزش‌های آن؛ (۳) شناسایی این که اتحادیه اروپا با وجود سخنان خود در مورد جذابیت ارزش‌های آن تمرکز دارد، در واقع توانایی کمی برای جذب جمعیت در کشور را دارد. نظرسنجی‌ها در سال ۲۰۱۲ نشان داد که ۷۸ درصد از جمعیت در درجه اول بلاروس‌ها بودند، در حالی که بیش از یک سوم فکر می‌کردند که آن‌ها اهل روسیه هستند و فقط ۲۴ درصد آن‌ها خود را اروپایی می‌دانند (Lukashenko, 2014).

این اطلاعات برای کارشناسان فرهنگی که احساس می‌کنند هویت اروپایی بلاروس در معرض خطر می‌باشد، نگران‌کننده است. در این زمینه، تعدادی از انتظارات توسط متخصصان فرهنگی در بلاروس بیان شده است. اولین مورد مربوط به نیاز به ارتقاء مهارت‌ها و ابزار مدیران و متخصصان فرهنگی در بخش دولتی و غیردولتی از طریق آموزش و مبادلات با متخصصان فرهنگی خارجی است. مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که این امر در زمینه‌های متعددی نظیر حفاظت از میراث، گردشگری، مدیریت موزه‌ها، فیلم‌سازی، ارتباطات و استراتژی‌های شبکه در زمینه مدیریت فرهنگی مورد نیاز است (Sandell, 2013: 11). دومین اولویت، حتی یک مسئله سیاسی حساس، نیازمند حمایت از ترجمه به زبان بلاروس و از به بلاروس به سایر زبان‌ها است. بر اساس نظرسنجی ۲۰۱۲، بخشی از جمعیت مسلط به زبان بلاروس به سرعت در حال کاهش است (۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در نظر داشتند که آن‌ها زبان بلاروس را می‌دانند، در مقابل ۵۱ درصد در سال ۲۰۰۹). نظرات دیگر توسط خبرنگاران در مورد محدودیت‌های آزادی اجتماعات یا دسترسی به رسانه‌های دولتی مطرح شد که برای کارآموزان فرهنگی برای کارآمد کردن آن دشوار است. همچنین، نیاز به سیستم عامل‌هایی است که مردم در مورد

روند هنر معاصر، تئاترهای تجربی و آزمایشگاه‌های هنری و انتقال دانش فنی در زمینه مدیریت فرهنگی پروژه‌های مستقل بحث خواهند کرد در حالی که روایت‌های اروپای غربی به طور سیستماتیک مسائل فرهنگی بلاروس را با یکدیگر ادغام می‌کنند (helly, 2014: 14). برخی از کارشناسان خواهان تمایز واضح‌تر میان همکاری اروپا در حوزه فرهنگی و روابط سیاسی با نظام هستند. گزارش‌های اخیر توسط کارشناسان اروپایی نیز به رغم تنش‌های سیاسی با مقامات، حمایت بیشتر از مبادلات فرهنگی را پیشنهاد می‌کنند.

۵. هویت تاریخی، فرهنگی و علمی بلاروس

بلاروس بخشی از روسیه بوده که سخت‌ترین نبردهای بین روسیه و آلمان در جنگ جهانی اول را به خود دیده است. به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، بلاروس در سال ۱۹۱۹ اعلام موجودیت کرد و در همان سال مورد هجوم لهستان قرار گرفت و در ۱۹۲۱ بین لهستان و شوروی تقسیم گردید. بلاروس در جنگ جهانی دوم به اشغال سربازان هیلتر درآمد و به کلی ویران شد. در سال ۱۹۴۵ بلاروس به عنوان یکی از جمهوری‌های شوروی ضمیمه خاک روسیه شد و به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد. اگرچه این ملت از نژاد اسلاو و اروپایی هستند اما ارتباطات نزدیک با نژادهای شرقی در طول قرون متمادی سبب شده که فرهنگ ملت بلاروس از ویژگی‌های شرقی برخوردار باشد (helly, 2014: 6). از این نظر، بلاروس علاوه بر ویژگی‌های ملی و تاریخی دارای رشد چشمگیری در عرصه‌های علمی و دانشگاهی است. استادان و دانشگاہیان این کشور در برخی از رشته‌ها شهرت جهانی دارند و همه ساله بسیاری از داوطلبان تحصیل از قاره‌های مختلف وارد بلاروس می‌شوند. این کشور در حوزه علمی و تجاریسازی دانش دستاوردهای خوبی دارد. با توجه به خطمشی متضاد با گسترش ناتو به شرق که تأثیر در رابطه با آمریکا و غرب داشته است ولی استقلال در حوزه سیاست خارجی خود را حفظ کرده و در مسیر استقلال علمی و فرهنگی نیز گام‌های موثری برداشته است (Barshchevski, 2011). به دلیل اهمیت این کشور در روابط بین‌الملل فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند در کنار روابط سیاسی، پارلمانی و اقتصادی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، نقش‌آفرینی کند.

۶. اهداف و عملکرد روابط فرهنگی ایران با بلاروس

شناخت هویت و فرهنگ در روابط متقابل سیاسی در جامعه بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است. تأثیرگذاری مستقیم فرهنگ و هویت ملی در سیاست خارجی هر کشور کاملاً مشهود است. ایران و بلاروس بر اساس مناسبات سیاسی سعی در تقویت روابط بر اساس پایه‌های اصیل فرهنگ ملی خویش را دارند. از این رو، فعالیت‌های فرهنگی دو کشور ایران با بلاروس دوجنبه دارد (حسن‌نژاد، ۲۰۱۴). بر این اساس، دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس از اراده خوبی در جهت گسترش روابط با یکدیگر برخوردارند. در واقع اراده قوی سیاسی مهم‌ترین عامل در جهت شکل‌گیری، گسترش، حفظ، تعمیق و ارتقای روابط دو کشور قلمداد می‌شود. تاکنون مقامات ارشد دو کشور سفرها و دیدارهای متعددی با یکدیگر داشته‌اند و تفاهمنامه‌های مختلفی را در حوزه‌های متعدد از جمله در حوزه علمی و فرهنگی با یکدیگر به امضا رسانیده‌اند. اتخاذ مواضع مشترک در بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی همگی گواه بر وجود عزم و اراده مشترک در همکاری‌های متقابل میان دو کشور است. دو دولت در بسیاری موضوعات نظام بین‌الملل مواضع یکسان دارند؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. مخالفت با نظام یک‌جانبه‌گرایی آمریکا؛
۲. مبارزه با تروریسم، خلع سلاح هسته‌ای، استقلال طلبی و شکاف طبقاتی جهانی؛
۳. مخالفت با فرهنگ و تمدن سلطه‌گر و تقویت فرهنگ بومی و ملی؛
۴. برقراری ارتباط میان نخبگان علمی، اجتماعی، هنری و فرهنگی دو کشور؛
۵. ایجاد ارتباطات علمی و دانشگاهی میان نهادهای علمی دو کشور از طریق برگزاری کمیسیون‌های مشترک همکاری علمی و فنی؛
۶. معرفی فرهنگ و هنر ایرانی از طریق برگزاری هفته‌های فرهنگی، هفته فیلم، نمایشگاه‌های کتاب، صنایع دستی، تبادل گروه‌های موسیقی، انتشار کتب و مقاله و سایر موضوعات در بلاروس؛
۷. برگزاری دوره‌های مختلف آموزش زبان فارسی و ایران شناسی؛
۸. تبادل گروه‌های مختلف ورزشی در قالب تورنمنت‌های بین‌المللی و رقابت‌های دوجانبه (دهشیری و حسن‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۱)، این نمونه‌ها همگی حاکی از یک اراده و

رویکرد مناسب برای تقویت روابط سیاسی و فرهنگی متقابل میان دو دولت ایران و بلاروس است.

۶-۱. نقش توریسم

صنعت توریسم یکی از پردرآمدترین بخش‌های خدماتی کشورهای است که سابقه تاریخی-تمدنی، فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی و تفریحی دارند. این صنعت نه تنها کارگزار اقتصادی پر قدرت در تجارت بین‌الملل بلکه چارچوبی برای بهبود روابط بین‌المللی و ابزاری برای فهم ماهیت روابط بین کشورها با فرهنگ‌های متفاوت در راستایی دستیابی به منافع ملی است (Ursache, 2015: 134). بر این اساس، ایران با تمدن عظیم چندین هزار ساله دارای میراث ارزشمند قومی، زبانی، فرهنگی، ابنیه‌های تاریخی و آداب و رسوم گوناگون قومی و ملی می‌باشد؛ که می‌تواند از این ابزار برای نزدیکی فرهنگ‌های ایران و بلاروس با آموزش افراد درباره فرهنگ‌ها و محیط‌های دیگر، تعامل و ارتباطات میان فرهنگی را فراهم کند. جمهوری اسلامی ایران با توسعه گردشگری و تعامل سازنده و موزون با بلاروس از طریق درک آداب و رسوم ملی-قومی، سبک زندگی و محیط، سبب افزایش احترام به فرهنگ جامعه بلاروس می‌شود و تصورات غیرواقعی نسبت به کشور را با دادن فرصت به جهان‌گردان برای آشنا شدن به فرهنگ ملی از بین می‌برد. به نظر می‌رسد دولت‌های ایران و بلاروس تاکنون از این ظرفیت‌های مهم در روابط دو جانبه به خوبی استفاده نکرده‌اند.

۶-۲. نقش زبان

جمهوری اسلامی ایران در زمینه فرهنگی دارای امتیاز تأثیرگذاری بالایی است. این کشور از دیرباز حلقه مهم اتصال بین فرهنگ‌های پرمایه قدیم در منطقه و نظام بین‌الملل بوده است. ایرانیان بر فرهنگ سایر ملت‌ها تأثیر زیادی گذاشتند و هنگام جذب بعضی از فرهنگ‌های دیگر، آگاهانه عمل کردند و جنبه‌های مثبت آن‌ها را با تغییر و تحولات لازم پذیرفتند (Valiyev, 2012: 1-2). بر همین اساس، اشتیاق برخی علم‌آموزان جوان بلاروس برای آشنایی با فرهنگ و زبان ایرانیان از یک سو و روابط خوب سیاسی و اقتصادی بین دو کشور از سویی دیگر و نیز ضرورت آموزش پایدار علمی برای تربیت

متخصصین زبان برای بخش‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، آموزش زبان و ادبیات فارسی و روسی را در اولویت‌های علمی و فرهنگی دو کشور قرار می‌دهد. در حال حاضر دو مرکز علمی و دانشگاهی بلاروس از جمله دانشگاه دولتی بلاروس و دانشگاه زبان‌های خارجی بلاروس که دارای قدمت علمی بالا است، دارای کرسی رسمی زبان فارسی هستند. شایان ذکر است که رایزنی‌های علمی و فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد کرسی‌های ایران‌شناسی در دانشگاه‌های بلاروس، در تلاش هستند تا دانشجویان و استادان را با فرهنگ و تمدن ایران بیشتر آشنا سازند (مسعام، ۲۰۱۶). این کرسی‌های زبان در سال ۱۳۷۹ در پی سفر لوکاشینکو رئیس جمهور بلاروس به ایران و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی و دانشگاهی بین دو کشور با پذیرش ۴ دانشجویی از دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه دولتی بلاروس گشایش یافت (بیات، ۱۳۸۹: ۳۷۵). از این رو، تقویت زبان ملی فارسی و توسعه روابط اجتماعی بر پایه آن موجب همبستگی ملی می‌شود. همچنین پایداری و استمرار زبان فارسی در بین اقوام و ملت‌های مختلف منطقه و استفاده از آن در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران تأثیر مثبت می‌گذارد که این امر ضامن منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که متغیرها و ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و بلاروس برای شکل‌دهی به هویتی مشترک با تکیه بر این عوامل مهیا است و در این راستا توجه ویژه سیاست‌گذاران را می‌طلبد.

۳-۶. سند تفاهمات علمی

یکی از وظایف رایزنی‌ها علمی کشورها برقراری ارتباطات علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور فرستنده با کشور پذیرنده رایزن علمی می‌باشد. بر این اساس رایزنی علمی جمهوری اسلامی ایران در بلاروس و اوکراین در سال ۱۳۸۹ در بلاروس تأسیس شد و این رایزنی توانسته است اقدامات شایسته‌ای را در زمینه‌های همکاری‌های علمی انجام دهد که حاصل آن، تفاهمات متعددی می‌باشد که بین دانشگاه‌های معتبر دو کشور به امضاء رسیده است. در اینجا به برخی از تفاهمات اشاره می‌شود:

دانشگاه تربیت مدرس با دانشگاه دولتی بارانویچ بلاروس، دانشگاه تربیت مدرس با دانشگاه دولتی گومل بلاروس، دانشگاه صنعتی اصفهان با دانشگاه دولتی گومل، دانشگاه

صنعتی اصفهان با دانشگاه دولتی انفورماتیک و رادیو الکترونیک بلاروس، دانشگاه صنعتی اصفهان با دانشگاه پلی تکنیک بلاروس، دانشگاه صنعتی اصفهان با دانشگاه تکنولوژی بلاروس، دانشگاه صنعتی اصفهان با دانشگاه دولتی بارانویچ بلاروس، دانشگاه جامعه المصطفی با اداره مسلمانان بلاروس، دانشگاه الزهرا (س) با دانشگاه زنان «انویلا» در بلاروس، دانشگاه الزهرا (س) با دانشگاه فرهنگ و هنر بلاروس، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی با دانشگاه زنان «انویلا» بلاروس (srib.by,2012) تنها بخش از تفاهم‌نامه‌های متقابل دو کشور برای تقویت دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شوند. از این رو، خروجی این تفاهم‌نامه‌ها دانشجویان هستند که به عنوان پیش‌تازان عرصه شناخت و آگاهی پس از فارغ‌التحصیلی اکثر آنان به کشور خود باز می‌گردند. آن‌ها به دلیل آشنایی به زبان، فرهنگ، اقتصاد جامعه و کشوری که در آن تحصیل کرده‌اند می‌توانند منشاء همکاری و شناخت متقابل فرهنگی بین دو کشور ایران و بلاروس باشند. بنابراین، محافل علمی و دانشگاهی از جمله بخش‌هایی هستند که تأثیرات مهمی در روابط فرهنگی دارند؛ زیرا محافل علمی با برگزاری کنفرانس‌های علمی، پذیرش دانشجوی، تبادل استاد و هیات‌های علمی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، تشکیل انجمن‌های علمی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی، چاپ کتاب و نشریات و سایر موضوعات می‌توانند نقش موثری در روابط فرهنگی دو کشور ایفا نمایند. برای تسهیل در این زمینه‌ها سند همکاری آموزشی میان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران و وزارت آموزش جمهوری بلاروس برای ارتقای سطح همکاری‌های علمی و دانشگاهی به امضاء رسیده است و رایزن علمی جمهوری اسلامی ایران با استقرار در مینسک، پایتخت بلاروس مسائل علمی دو کشور را رصد می‌نماید که تاکنون دستاوردهای خوبی برای دو کشور به همراه داشته است.

۴-۶. فعالیت‌های فرهنگی و هنری

علاقه مردم فرهنگ‌دوست بلاروس به دستاوردهای فرهنگی ایران سبب شده است که در سال‌های نخست روابط سیاسی و همکاری‌های علمی و فرهنگی خوبی بین دو کشور شکل بگیرد. برخی از این دستاوردها را می‌توان به برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، هفته‌های فرهنگی هنری، صنایع دستی، فیلم، کتاب و مطبوعات، تئاتر و موسیقی، برگزاری کنفرانس‌های علمی و فرهنگی اشاره کرد. شایان ذکر است که برخی از فعالیت‌های انجام

شده علمی با افتتاح رایزنی‌های علمی در سال ۲۰۱۰ و رایزنی فرهنگی در سال ۲۰۱۲ و تأسیس خانه فرهنگ ایرانیان، و سایر متغیرهای فرهنگی - هنری شاهد افزایش فعالیت‌ها در سطوح کمی و کیفی بوده‌ایم (دهشیری و حسن‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۵). این فعالیت‌های فرهنگی - هنری تحت شعار دوستی و همیاری بین ملت ایران و بلاروس به خوبی برگزار شد. ملت بلاروس طی این مدت تاریخ و سنن مردم ایران را در طول قرون متمادی به خوبی درک کردند. ایجاد مراکز فرهنگی - هنری در خارج از کشور گرچه سبب تقویت فرهنگ ملی متقابل دو کشور شده است بلکه در سایر زمینه‌های اقتصادی و سیاسی نیز تسری پیدا کرده است. خانه فرهنگ ایرانیان وظایف مهمی همچون برگزاری همایش‌ها، آیین‌ها، مراسم ملی و مذهبی و تقویت روحیه ملی و معنوی دو دولت - ملت را داراست (حسن‌نژاد، ۲۰۱۴). این رویداد مهم فرهنگی و هنری نمایشگاهی متشکل از آثار هنری ایران شامل، تابلو فرش و صنایع دستی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای همچنین کارگاه‌هایی مشتمل بر، منبت‌کاری، معرق‌کاری، سفالگری، قلم‌زنی، آیین‌کاری، گچ‌کاری، موسیقی زنده به نمایش در می‌آید که با استقبال خوبی از جانب هنردوستان ایرانی روبرو می‌شود. برای نمونه، جشنواره فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی که با پشتیبانی و مشارکت گسترده سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و با مشارکت معاونت صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و با حضور ۷۰ تن از هنرمندان ایرانی از ۱۷ تا ۲۶ خرداد ۱۳۹۰ در بلاروس برگزار شد و طی ده روز برگزاری جشنواره قریب ۱۰۰ هزار نفر از طبقات و طیف‌های مختلف مردمی، هنرمندان، هنردوستان، دیپلمات‌ها، مسئولین و گردشگران مقیم بلاروس از این رویداد فرهنگی هنری استقبال کردند. در این مراسم کاراچفسکی معاون اول وزیر فرهنگ بلاروس، طی سخنانی خوشحالی خود را از حضور در مراسم گشایش این جشنواره ابراز داشت و روابط فرهنگی را زیباترین، عمیق‌ترین و موثرترین نوع روابط بین دو ملت خواند و به گونه‌ای که سایر روابط از آن سرچشمه می‌گیرد (هفته فرهنگ و هنر ایران در بلاروس، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۰). بی‌تردید دو کشور می‌توانند با تلاش مشترک برای حفاظت از منافع در سطوح دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای، بین‌المللی و گسترش همکاری‌ها و تعمیق آن، سطح روابطشان را ارتقاء دهند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده است دیپلماسی فرهنگی میان دو دولت ایران و بلاروس مورد بررسی قرار بگیرد. در بازخوانی و بررسی عملکرد روابط فرهنگی بین دو کشور ایران و بلاروس نقاط قوت و ضعف مشاهده می‌گردد. فعالیت‌ها فرهنگی دو دولت عمدتاً جنبه آشنایی سطحی و زودگذر داشته‌اند تا جنبه ساختاری و پایه‌ای، لذا ضعف پژوهش و شناخت فرهنگی علمی یکی از مشکلات آکادمیک دو کشور به حساب می‌آید. در این مدت اشتراکات فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی همراه با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی و فرهنگی و اولویت‌ها برای ارتقای روابط فرهنگی دو کشور مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. بر همین اساس، این تعاملات و مناسبات فرهنگی همانند روابط سیاسی و اقتصادی در طول ۲۵ سال گذشته پیشرفت مطلوبی نداشته است و جایگاه و نگاه ویژه‌ای در بین دولتمردان دو کشور نیافته است. عملکرد فرهنگی دو کشور و میزان تعاملات فرهنگی متقابل گواه بر این ادعاست.

گرچه جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط فرهنگی فعالیت‌های خوبی را انجام داده است؛ ولی این فعالیت‌ها منظم و دارای هدف منسجم و تخصصی نبوده است؛ برای نمونه اعزام رایزن فرهنگی ایران به کشور بلاروس پس از بیست سال تأخیر صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد رایزنان اعزامی به بلاروس از شناخت، توانمندی، تسلط فرهنگی و زبانی در حوزه دیپلماسی فرهنگی با روس و بلاروس برخوردار نبوده‌اند و از دیگر سوی دیگر جمهوری بلاروس در حوزه فرهنگ نه برنامه قابل توجهی در ایران اجرا کرده است و نه فردی را به عنوان مسئول فرهنگی در سفارت خود در تهران منصوب نموده است. از عمده‌ترین دلایل عدم پیشرفت روابط فرهنگی می‌توان به فقدان موافقت‌نامه فرهنگی بین دو کشور اشاره کرد. موافقت‌نامه‌های فرهنگی اساس و مبنای همکاری دو کشور در فعالیت‌های فرهنگی - هنری هستند. پیشنهاد می‌شود علاوه بر تفاهم‌نامه‌های موجود ضروری است سند راهبردی دیپلماسی فرهنگی بین دو کشور ایران و بلاروس و برنامه‌ریزی‌های سالانه چندوجهی صورت پذیرد. از این طریق بخش‌های علمی، فرهنگی، توریستی، ورزشی، تأسیس انجمن دوستی، کرسی‌های تدریس زبان، کرسی‌های ایرانشناسی، بلاروس‌شناسی، اهدای بورس تحصیلی، تبادل استاد و دانشجو، برگزاری منظم هفته‌های فرهنگی، همایش‌های فرهنگی، همکاری‌های مشترک رادیویی و تلویزیونی،

مشارکت در ساخت فیلم و سریال و سایر مسائل فرهنگی در ارتقای روابط فرهنگی دو دولت تاثیرگذار خواهند بود. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند سکوی مناسب برای ارتقای فزاینده سایر تعاملات سیاسی و اقتصادی پایدار میان دو دولت-ملت ایران و بلاروس باشد.

منابع

- ازدری، لیلا و علی‌اکبر فرهنگی، محمدرضا صالحی امیری و محمد سلطانی‌فر. (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره هیجدهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان.
- بولتن گزارش برگزاری هفته فرهنگ و هنر ایران. (۱۳۹۰). جلد ۱۱، صص ۲۰-۲۳، بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران، مینسک.
- بیات، فرهاد. (۱۳۸۹). *مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- حسن خانی، محمدحسن. (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در کشورها»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- حسن نژاد، عبدالرحیم. (۲۰۱۴). «بررسی تأثیر عناصر فرهنگی بر روابط ایران و بلاروس»، *فصلنامه علمی و پژوهشی دومکا، مینسک*، شماره ۵، صص ۵۱-۵۶، قابل دسترس: http://www.beldumka.belta.by/isfiles/000167_102523.pdf
- خرازی محمودندی آذر، زهرا. (۱۳۸۸). *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی*، چاپ اول، تهران: نشر وزارت خارجه.
- دهشیری، محمدرضا و عبدالرحیم حسن‌نژاد. (۱۳۹۲). «روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و بلاروس (۲۰۱۳-۱۹۹۱)» *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، شماره ۳۳، تابستان.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۳). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷). *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، روح‌الله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی. (۱۳۹۲). *نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

رضایی، علی‌اکبر و محمدعلی زهره‌ای. (۱۳۹۰). *دیپلماسی فرهنگی: نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی*، تهران: پژوهاک اندیشه.

سیمبر، رضا و احمد علی مقیمی. (۱۳۹۴). «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، شماره ۱، بهار.

سیمبر، رضا. (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۱۴، پاییز.

صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی. (۱۳۹۵). *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: نشر ققنوس.

مسعام، ولادیمیر. (۲۰۱۶). *روابط فرهنگی بین بلاروس و ایران*، دسترسی در:

<http://www.iimes.ru/?p=29701>

میرفخرایی، حسن و مجید فیروزمندی. (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان.

Barshcheuski, Lavon. (2011). “*A Report on the Condition of NGOs and Independent Culture in Belarus*”, Kultura Enter.

Fokin, Vladimir Ivanovich, Sergey Sergeevich Shirin, Julia Vadimovna Nikolaeva, Natalia Mikhailovna Bogolubova, Elena Eduardovna Elts, Vladimir Nikolaevich Baryshnikov (2017), “Interaction of cultures and diplomacy of states”, *Kasetsart Journal of Social Sciences*, available at: journal homepage: <http://www.elsevier.com/locate/kjss>.

Helly, Damien. (2014). “*belarus context note - Cultural Diplomacy Platform*”, preparatory action Culture in the EU's External Relations.

Lawson, Marian L. (2018). “The Peace Corps: Current Issues”, *Congressional Research Service*, available at: <https://fas.org/sqp/crs/misc/RS21168.pdf>.

Lebow, R. Ned. (2008). *A Cultural Theory of International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.

Luke, Christina. (2013). *US Cultural Diplomacy and Archaeology: Soft Power, Hard Heritage*, published by: Routledge.

Lukashenko, Alexander. (2014). “Belarus: 20 years under dictatorship and a revolution behind the rest of Europe”, available at:

- <https://www.theguardian.com/world/2014/jun/09/-sp-belarus-remains-revolution-behind>.
- mcclory, Jonathan. (2017). "The Soft Power 30", established in: The USC Center on Public Diplomacy.
- Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Belarus (2013), website: <http://www.mfa.gov.by/>.
- Rösch, Felix & Richard ned lebow. (2017). "A *Contemporary Perspective on Realism*", Published at: <https://pureportal.coventry.ac.uk/en/publications/a-contemporary-perspective-on-realism>.
- Sandell, Terry et al. (2013). "Analytical Baseline Report on the Culture Sector and Cultural Policy of the Republic of Belarus", Regional Monitoring and Capacity Building Unit of the Eastern Partnership Culture Programme (RMCBU).
- Valiyev, Anar M. (2012). "Azerbaijan-Iran Relations: Quo Vadis, Baku?", *Ponars Eurasia Policy Memo*, Vol. 25., No. 244.
- Yeliseyev, Andrei. (2013). "The International Labour Association has issued a number of criticisms in that regard Belarus Risks Becoming Only State Stripped Of EU Trade Preferences", *Belarus Digest*, 14 February 2013. Online. Available at: <http://belarusdigest.com/story/belarus-risks-become-only-state-stripped-eu-trade-preferences-12979>.
- Ursache, Mara. (2015). "Tourism – Significant Driver Shaping a Destinations" Published by Elsevier Ltd. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license. [http://www.srib.by.\(2012/07/02\)](http://www.srib.by.(2012/07/02)).